

مرگ به مثابه تغییر فرهنگی

درباره شیوه سوگواری
در تشییع ناصر تقواییمسعود شاه‌حسینی
خبرنگار گروه فرهنگ

در چند روزی که از مرگ ناصر تقوایی، فیلمساز صاحب‌سبک و کم‌کار فقید سینمای کشور گذشته، نه خودش و جهان فیلمسازی‌اش، که شیوه سوگواری حاضران در مراسم تشییع او محل بحث قرار گرفته است. عده‌ای از هم‌پیمانان من‌پناهی‌صیتی که مرحوم کرده بود، بلباس سفید در مراسم حضور یافتند، همچنین نوازندگان، سنج و دمام نواختند، اشعاری از فردوسی خوانده شد و حتی عده‌ای هم رقصیدند. حالا هرکسی از ظن خودش نظری می‌دهد، به‌ویژه درباره تنوع یاکسانی آیین‌های سوگواری و مناسبات آن در میان ایرانیان. طبق معمول هم بحث‌ها چندپاره است. درستی یا مناقشه‌بران‌بودن هیچ‌کدام از دوشق، محل بحث نیست، که اگر هم باشد، اینکه کدام رادرست بدانیم و آن دیگری را خطا، پیشاپیش بحثی بی‌حاصل است. واقعیت این است که اندوه و غم به همان اندازه که جهان شمول است و تجربه‌ای عمیقاً آنتیده‌شده در احساسات انسانی، سوگواری نیز وضعیتی عارض بر روان فردی و جمعی است و کیفیت تجربی‌اش به ساختارهای فرهنگی و اجتماعی وابسته است. در یک فرهنگ واحد و حتی در خرده‌فرهنگ‌های مختلف، تجربه سوگواری-ولو اینکه به شیوه‌های مختلفی ابراز و نمایش داده شود-بیش از هر چیز متأثر از کدها و قوانین فرهنگی، مذهبی و اجتماعی است؛ قوانین و کدهایی که ثابت‌نستند و پویایی و تغییر دائمی، جزء خصلت‌شان است. اگر بپذیریم که سوگواری، در گام دوم بعد از تسلی، تلاشی ضمنی برای برگرداندن نظم به بی‌نظمی ناشی از مرگ است، آیین‌های سوگواری نیز قلمرو انحصاری نیستند که به پست‌نوانه‌پورها-خواه مذهبی و خواه غیرمذهبی-مرزهای مجاز اندوه، وداع و هنجارهای آن را تعیین کنند. این همان نقطه‌ای است که اراده معطوف به انتخاب و قدرتی که کسب می‌کند، نشانگان فرهنگی سوگ را تعیین می‌کند و اگر مرزها را به چالش بکشد، هیچ‌نابید تعجب کرد. مراسم تشییع ناصر تقوایی به اعتبار صیبتی که آن مرحوم کرده بود، بیش از اینکه مراسمی غیرمعمول را نشان دهد، باید در بافت تحول در ضمیر جمعی معطوف به قدرت اراده انتخاب‌گرانه‌ای که آبخشورش در آگاهی، مشاهده‌گری و شناخت بیشتر است، فهم و تفسیر شود. همه‌ما شنیده‌ایم که نمایش تجربه سوگ در فرهنگ‌های مختلف، نسخه یکسانی ندارد و در سال‌های اخیر نیز با تفسیرهای مبتنی بر اختیار شخصی مواجهه با معنای زندگی و مرگ، شدیدتر هم شده است. نیاز به گفتن نیست که طیف جهانی سوگواری، از اندوه تا جشن و شادی، نوسان دارد و هرآنچه به مقابله یا تسلائی اندوه فقدان می‌پردازد، در چارچوب سیالیت فرهنگی باید صورت‌بندی شود. که در این صورت دیگر صحبت از موسیقی یا نوحه‌خوانی، سفیدپوشی یا رخت سیاه بر سر کشیدن و سوگوت با تقلا و زاری به هیچ جهت قطب‌نمایی میل نمی‌کند. مراسم تشییع ناصر تقوایی اثباتی است بر اینکه نمادها، آیین‌ها یا ارزش‌ها، در مقابل تحول فرهنگی و اجتماعی مقاومت‌بران‌نیستند. چه‌بسا اینکه خود فرهنگ نیز مجموعه‌ای از قوانین ثابت و ایستانیست، بلکه در موضوعاتی که برآیندشان در رفتار و واکنش‌های افکار عمومی دیده می‌شود، هرچشمی بینیم‌فرا‌یندمستمر تفسیر و بازتفسیر است. در حقیقت انعطاف‌پذیر شدن آیین‌ها، خاصه در مقوله‌ای مثل مرگ و آن‌هم درباره شخصیتی محبوب مانند تقوایی، همان لحظه موعودی است که نوآوری‌ها، انتخاب‌ها، قدرت و توانایی‌شان در بازتعریف نمادها و ارزش‌های فرهنگی به منصفه‌ظهور می‌رسد. این موضوع از ایسن جهت اهمیت دارد که آیین‌های مرگ از قدرتمندترین ابزارهای تولید معنا در هر فرهنگی است که جامعه امروز ما نیز از این موضوع برکنار نیست. گرچه یک پای ثابت بخش زیادی از تحلیل‌ها، ارزش‌دآوری درباره شیوه‌های سوگ تقوایی، در مدح یا مذمت آن است، یا حتی عده‌ای این تحول را به جابه‌جایی کانون‌های مرکزی معنویت و قوت‌گیری سوگ شخصی و پراکنده به جای روایت نهادمند و متمرکز رسمی ربط می‌دهند، ولی باید بپذیریم در جهان کنونی که همه‌اشکال تمدنی از ارتباطات، تأثیراتی اجتناب‌ناپذیر می‌گیرند، هیچ جامعه‌ای را در هیچ موضوعی نمی‌توان موجودیتی ایستا یا ساختاری سنگی و لا‌تغییر قلمداد کرد. کم‌اینکه همه تفسیرها نیز به‌نوبه خود قابل تأمل اند. به همان اندازه که جامعه در تعامل و برهم‌کنشی با درون و برون خود است، خودش در بطن جریان زندگی سیال و دائمی، در حال تحول است و به همان نسبت مظاهر فرهنگی، نمادها و ارزش‌های حاکم بر آن نیز تغییر می‌یابد. مراسم تشییع ناصر تقوایی، مثالی گویا از این اصل بنیادین است که معناخوانی فردی در برابر انتظار جمعی نه‌پادینه‌شده به اشکال مختلف قرار می‌گیرد؛ تغییر مهمی که اغلب در لایه‌های زیرین و بنیادین جامعه رخ می‌دهد و حضورش با کنش‌های فرهنگی، اجتماعی و گاه سیاسی در بزنگاه‌هایی مانند مرگ و سوگواری آشکار می‌شود.

۱۶
۲۴ ساعت
24 HOURShammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



آوازخوان محافظه‌کار

درباره دیدگاه‌های سیاسی و مذهبی آندره‌آ بوچلی
خواننده شهیر ایتالیایی و روابطش با ترامپ و برلوسکونیفرزاد نعمتی
خبرنگار گروه فرهنگ

این روزها نام دونالد ترامپ در رسانه‌ها، بیش از هر چیزی به دلیل دیدارهایش با سیاستمداران جهان و مواضع اغلب شگفت‌انگیزش خبرساز می‌شود. او خود را در تقاطع حل هم‌زمان چندین مناقشه مهم در روابط بین‌الملل نظیر جنگ غزه، بحران هسته‌ای و نبرد روسیه و اوکراین بازنمایی می‌کند اما در عین حال دیدار دوروز پیش او با آندره‌آ بوچلی، اسطوره خوانندگی، نشان می‌دهد که سیاست همه ذهن او را تسخیر نکرده است؛ به‌خصوص وقتی بدانیم این دیدار که در دفتر بیضی شکل کاخ سفید انجام شد، پیش از سفر رئسکسی به آمریکا صورت گرفته است. طبق فیلمی که مارگو مارتین، دستیار ویژه ترامپ، توثیق کرده است، رئیس‌جمهور آمریکا در حالی پشت میز روزولت ایستاده و لیخند می‌زند که بوچلی بزرگ، به اجرای خصوصی، بداهه و البته کوتاه آهنگ Con Te Partiro پرداخته است. سابقه علاقه ترامپ به بوچلی، البته قدیمی‌تر از این دیدار است. ترامپ از طرفداران قدیمی این خواننده است. او در سال ۲۰۱۱ به‌همراه ملانیا، ایوانکا و ایوانا در کنسرت بوچلی در سنترال پارک شرکت کرد. بخش ترانه‌های بوچلی در تجمعات ترامپ نیز بی‌سابقه نیست؛ نظیر پخش آهنگ «وقت خدا حافظی است» در تجمعی در پنسیلوانیا در اکتبر ۲۰۲۴. جز اینها حتی در سال ۲۰۱۶ شایعه‌هایی به گوش می‌رسید مبنی بر اینکه، بوچلی در مراسم تحلیف ترامپ به اجرای آواز خواهد پرداخت؛ امری که طبق برخی گمانه‌زنی‌ها، پس از شکل‌گیری و تبلیغات جنبش «تحریر بوچلی» در فضای مجازی، به انصراف این خواننده تئور منجر شد. این بار اما گویی، نه خبری از تحریم است، نه ترس. حتی طبق خبری که ترامپ داده است، بوچلی ۶۷ ساله در ماه دسامبر قبل از کنسرت در سالن کیتال وان آرنا، در کاخ سفید کنسرتی برگزار خواهد کرد: «او پنجم دسامبر می‌آید تا برای برخی افراد در کاخ سفید اجرا کند. اگر اعضای کابینه خوب باشند، اگر کارشان را خوب انجام دهند، به آنها اجازه می‌دهیم با برخی دیگر بیایند، درست است؟ قرار است خوش بگذرانیم.» تمام این اتفاقات در حالی رخ می‌دهد که در دور اول ریاست‌جمهوری ترامپ، سریال «در کاخ سفید در حال اجرا» از شبکه PBS که شامل اجراهایی از هنرمندان برتر در اتاق شرقی کاخ سفید بود، به حاشیه رانده شد. این سریال در دوره جو بایدن، برای یک قسمت دیگر بازگشت اما تابستان گذشته، ترامپ تلاشی برای تصویب قانونی در کنگره رهبری کرد که تمام بودجه فدرال برای رسانه‌های عمومی، از جمله ایستگاه‌ها، PBS (سرویس صداوسیما) و NPR (رادیو عمومی ملی) را لغو می‌کرد.

▼ فوئبال، موسیقی و نابینایی

آندره بوچلی در سال ۱۹۵۸ در توسکانی ایتالیا به دنیا آمد. از همان کودکی به یادگیری پیانو پرداخت. به فوتبال علاقه‌ای خاص داشت و از تنبلی چشم هم البته رنج می‌برد. در ۱۲ سالگی، توپ فوتبال اما با چشم بوچلی سر ناسازگاری گذاشت و در اثر اصابت توپ، آندره نابینا شد. بعد از این اتفاق، بوچلی که حالا دیگر به نواختن فلوت و ساکسوفون نیز تسلط پیدا کرده بود، راهی مدرسه نابینایان شد. در تحصیل حقوق نیز ماسترستی جدی به خرج داد و مدرک دکتری دریافت کرد. عشق حقیقی و نهایی او اما موسیقی بود؛ عشقی که او را به یکی از بزرگترین خوانندگان تاریخ موسیقی جهان بدل کرد، شهرتی بین‌المللی نصیب او کرد و تحسین همگان را برانگیخت به‌نحوی که در سال ۱۹۹۸ جایزه بهترین موسیقیدان کلاسیک و خواننده ایتالیایی را در جشنواره موسیقی جهان در مونت کارلو دریافت کرد.

▼ از ندانم‌گرایی به کاتولیسیم

بوچلی فقط خواننده محبوب ترامپ نیست و میان آنها شباهت نظرهای دیگری نیز دیده می‌شود. یکی از آنها، مخالفت شدید هر دوی آنها با سقط جنین است. البته شاید پیش از ذکر این موضوع خاص، بد نباشد نگاهی انداخت به گرایش‌های دینی بوچلی. آندره نامی در کتاب مقدس است. رسول آندره، برادر سنت پیتر، شخصیت مهمی در عهد جدید است و دست‌های او مسیحیان معتقدند که او اولین شاگرد عیسی مسیح بوده است. در نتیجه نام آندره در جوامع مسیحی

رایج است و اغلب به افتخار این رسول، بسیاری از خانواده‌های مسیحی این نام را بر فرزندان خود می‌نهند. خود بوچلی هم از هیجانی سخن گفته است که برای حضور در مراسم عشای ربانی هتنگی و البته یافتن فرصتی برای نواختن ارگ داشته است. شاید در آن روزها حدس نمی‌زد که روزی برای پاپ آواز خواهد خواند. با همه این سوابق مسیحی، برخی گزارش‌ها مدعی است که بوچلی تا حدود سال ۱۹۹۴، یعنی ۳۶ سالگی، یک ندانم‌گرا (آگنوستیک) بوده است، اما در حوالی آن سال‌ها و تا حدودی به دلیل غرق شدن در مطالعه آثار نویسند روسی، لنو تولستوی، به آیین کاتولیک بازگشته است. آنچه امروز می‌توان با قاطعیت بیشتری گفت این است که او یک کاتولیک معتقد است و ایمانش بسیاری از جنبه‌های زندگی‌اش-اگر نگوئیم بیشتر آنها-را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. خود او در این زمینه می‌گوید: «کاتولیک بودن در زندگی من جایگاه اول را دارد. فکر نمی‌کنم کسی بتواند بدون کمک و خواست خدا کاری انجام دهد.»

برخی، یکی دیگر از نشانه‌های اهمیت باور دینی و مسیحی در زندگی بوچلی را در وضعیت طلاق او از همسر اولش ردیابی کرده و نوشته‌اند، دلیل اینکه بوچلی هنوز از همسرش طلاق نگرفته است، حتی با وجود اینکه با زن دیگری زندگی می‌کند و از او فرزند دارد، مخالفت کلیسای کاتولیک با طلاق است.

▼ نه به سقط جنین

با این تفاسیر وقتی به سقط جنین می‌رسیم، بعید نیست شنیدن مخالفت بوچلی با این عمل. او به دلایل شخصی و مذهبی، مخالفت شدیدی با سقط جنین داشته است. جالب اینکه، وقتی مادرش او را باردار بود، یک بیماری باعث شد پزشکان به او توصیه کنند که جنین را سقط کند. بوچلی اما باید خوشحال باشد؛ زیرا مادرش به این توصیه‌ها عمل نکرد. با وجود چنین شرایطی، باز هم انگاره‌های مسیحی الهام‌بخش بوچلی در احترام گذاشتن به مخالفان خود در این زمینه است: «البته من شخصاً با این ایده که می‌توانم زندگی را به‌طور دلخواه قطع کنم، موافق نیستم. اما نمی‌توانم قاضی کسانی باشم که به روش دیگری تصمیم می‌گیرند. تا جایی که می‌توانم، به آنها نمونه‌ای نشان می‌دهم و به‌عنوان یک الگو عمل می‌کنم؛ زیرا معتقدم که این تنها راه است.»

▼ حامی برلوسکونی و اوکراین

موضع بوچلی در مورد سقط جنین را می‌توان به‌راحتی به همان اندازه که مذهبی است، سیاسی نیز در نظر گرفت. اگر آن را سیاسی در نظر بگیریم، او را باید در صف محافظه‌کاران قرار دهیم؛ موضعی که او را به سیاستمدارانی چون ترامپ و برلوسکونی نیز نزدیک می‌کند. بوچلی البته یکی از طرفداران پروپاقرص اینترمیلان است، اما وقتی پای سیاست به میان آید، سیاستمدار محبوبش می‌شود، برلوسکونی آث میلانی. حمایت او از سیلیو برلوسکونی، نخست‌وزیر سابق و محافظه‌کار ایتالیا، به‌نوعی دیدگاه‌های راست‌گرایانه بوچلی را هم تأیید می‌کند. این رابطه به‌قدری پایدار است که بوچلی حتی پس از اتهامات کلاهبرداری مالیاتی علیه برلوسکونی و با وجود سابقه طولانی پر از رسوایی‌های جنسی، گاف‌ها و تضاد منافع بین تجارت و دولت در کارنامه سیلیو احساس کرد که باید باز از او دفاع کند: «او مرد بسیار باهوشی است. او بسیار بسیار مهربان است و اراده بزرگی دارد.» با همه این تفاسیر، بوچلی را نباید همچون هنرمندی ایدئولوژیک در نظر گرفت. به‌نظر می‌رسد او جز در مورد سقط جنین، چندان نگاهی قاطع و جزمی از خود بروز نمی‌دهد و وقتی از او درباره کاندیداتوری برای انتخابات سوال می‌شود، نگاهش را چنین ساده بیان می‌کند: «من ترجیح می‌دهم برای کشورم به شیوه‌ای آزاد و مستقل کار کنم. من آزاد به دنیا آمدم و می‌خواهم آزاد بمیرم. من همیشه به ایدئولوژی مشکوک هستم.» بوچلی، یکی از حامیان اوکراین در نبرد این کشور با روسیه نیز است. او با پیوستن به تلاش‌های جمع‌آوری کمک‌های مالی برای ناهندگان جنگ و حتی به فرزند پذیرفتن سگی به‌نام جک که در جنگ مجروح شده بود، حمایت خود را از اوکراین نشان داده است. این خواننده، یک موسسه خیریه به‌نام بنیاد آندره‌آ بوچلی را اداره می‌کند که به جمع‌آوری پول برای کمک‌های اضطراری در اوکراین نیز کمک می‌کند و مسکن، غذا و دارو برای پناهندگان فراهم می‌کند. این موسسه همچنین «کنسرت‌های حمایت‌روانی» را برای امید بخشیدن به خانواده‌های آواره ارانه می‌دهد.

کماندار زرین‌دست

۳۳ سال پیش در بیست‌وهفتمین روز از مهرماه، کماندار زرین‌دست موسیقی ایران درگذشت. حبیب‌الله بدیعی، نوازنده چیره‌دست ویولن که صدای ساز او آیینی‌های بغض‌های نگفته و شادی‌های ناپایدار یک ملت بود، در چهارم فروردین‌ماه سال ۱۳۱۲ به دنیا آمد تا پیام‌آور موسیقی اصیل ایرانی به جهان باشد. بدیعی، از کودکی با یادگیری ویولن نزد یک نوازنده ارمنی وارد دنیای موسیقی شد. هرچند آشنایی اولیه او با موسیقی کوتاه و گذرا بود، اما در ادامه به پختگی و تبحری چشمگیر در هنر رسید. از «گل‌ها»ی رادیو تا طنین نامیرای «کعبه‌ی دل‌ها» با صدای الهه، بدیعی ساز را به سخن و نغمه را به نجوا تبدیل کرد و در کنار نام‌های بزرگی چون مرضیه، دلکش، پوران، هاییده، قوامی و بنان نغمه‌پرداز می‌کرد. از معروف‌ترین نغمه‌های او می‌توان به «افسانه‌ی عشق» و «سنگ صبور» اشاره کرد. بدیعی در عمر ۵۹ ساله‌اش با نقش آفرینی به‌عنوان مسئول در معاونت‌های فرهنگی تا سفرهای هنری، پیام‌آور موسیقی اصیل ایرانی به چهارگوشه جهان بود. در نهایت قلب او در مهرماه ۱۳۷۱ از حرکت ایستاد، اما همچنان نغمه‌های ویولن و کمانچه او در خاطره ایرانی‌ها نواخته می‌شود.



فیلسوف در مقام فیلمساز

کتاب «سینماگر متفکر» گفت‌وگوی بهمن مقصودلو با داریوش مهرجویی است که به‌تازگی از سوی نشر برج منتشر و روانه بازار شده است. این کتاب، تصویری دقیق و صمیمانه از زندگی و کارنامه پرپرا یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کارگردانان سینمای ایران ارائه می‌دهد. کتاب «سینماگر متفکر» پس از نیم‌قرن دوستی و همکاری نزدیک بهمن مقصودلو با داریوش مهرجویی، تصویری ژرف و صمیمانه از زندگی و کارنامه‌ی پرپرا این کارگردان مهم ارائه می‌دهد. این اثر نه‌تنها روایت پشت‌صحنه‌ی ساخت فیلم‌های ماندگار مهرجویی است، بلکه نگاهی نقادانه و فلسفی به سینما، جامعه، سیاست و جایگاه زن در آثار این کارگردان برجسته را بازتاب می‌دهد. مخاطب با خواندن این کتاب با ذهن خلاق و زاویه‌دید خاص مهرجویی نسبت به هنر و زندگی از دوران کودکی و علاقه او به موسیقی و فلسفه گرفته تا مسیر دشوار سینما در جامعه‌ای پرتالطم، آشنایی می‌یابد. نشر برج، کتاب «سینماگر متفکر» را در ۱۸۴ صفحه و به قیمت ۲۴۵ هزار تومان منتشر کرده است. خواندن این کتاب برای شناخت عمیق‌تری از مهم‌ترین چهره‌های سینمای معاصر ایران، به‌ویژه برای علاقه‌مندان به تاریخ سینما، فرهنگ و هنر ایران فرصت مناسبی است.

کتاب:

سینماگر متفکر

نویسنده:

بهمن مقصودلو

انتشارات: برج

پیمان درو تینگلم



در ۱۹ اکتبر ۱۷۹۱ پیمان درو تینگلم بین سوئد و روسیه امضاء شد. هدف از امضای این معاهده، ایجاد صلح پایدار بین دو کشور، همچنین تمهید اتحادی بین آنها علیه فرانسه انقلابی بود.

در این دوران و پس از پیروزی انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹، بسیاری از پادشاهی‌های اروپایی از صدور انقلاب فرانسه به کشور خود، وقوع شورش و انقلاب در میان مردم یا حمله نظامی ارتش فرانسه انقلابی به مرزهای‌شان، نگران بودند و به‌همین دلیل می‌کوشیدند با چنین اتحادها و تحالف‌هایی، این دوره را از سر بگذرانند. در این پیمان میان سوئد و روسیه، هر دو طرف متعهد به حفظ صلح بین خود شدند. همچنین دو طرف تعهد دادند که ظرف چهار ماه از درخواست، به یکدیگر کمک‌نظامی کنند. سوئد قول هشت هزار پیاده‌نظام و دو هزار سواره‌نظام و روسیه قول ۱۲ هزار پیاده‌نظام و چهار هزار سواره‌نظام را داد. در نهایت هر دو طرف متعهد به کمک دریایی شدند و بپذیرفتند در صورت وقوع جنگ، ۹ کشتی جنگی و سه ناوچه در اختیار طرف مقابل قرار دهند. روسیه همچنین پذیرفت که سالانه حدود ۳۰۰ هزار روبل به سوئد یارانه پرداخت کند.